۱۲ آذرماه ۱۳۵۲

دومین جشنواره بین المللی فیلم تهران



لودویگ اثر ویسکونتی

VISCONTIS
"LUDWIG"

گفتگوئی با :

بنوآ لامی

کارگردان «کانون گرم خانواده»


منوچهر انور – کلود ژاد – بنوآ لامی

بنوآ لامی کارگردان جوان فیلم «کانون گرم خانواده» روزجمعه درهتل شرایتون دریك مصاحبه مطبوعاتی شرکت جست. آنچه میخوانید گزیده‌ایست ازحرفهای سینماگری که بانخستین فیلم طویلش درخششی فوق‌العاده داشته‌است .

* * *

سئوال – درفیلم شما داستان دریك خانه مخصوص سالخوردگان میگذرد . ازنظر شما این‌خانه نمونه‌کوچکی ازیك اجتماع یا یك کشور نیست ؟

لامی – تم اصلی فیلم من جستجوی آزادی است ، چه جوان چه پیر بشرهمواره درجستجوی آزادی است .


کلود ژاد

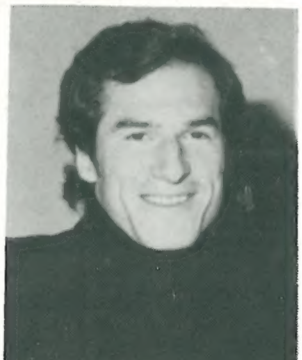
بااین تفاوت که برای پیرها قضیه حادتراست ودرشرایطی که آنان زندگی میکنند بهتر میشد تم جستجوی آزادی را پیاده‌کرد .

سئوال – کمی ازگذشته خودتان بگوئید وچطورشد که برای نخستین فیلم این سوژه را انتخاب کردید ؟

لامی – من دربلژیك مدرسه سینمائی را تمام‌کردم . بعد مدتی درفرانسه وایتالیا استاژ دادم . چهارفیلم‌کوتاه ساختم . چندی هم برای تلویزیون‌کارکردم تا اینکه سرانجام اولین فیلم طویل خودرا ساختم . اما درباره این سوژه ، بلژیك مملکتی است‌که تعداد پیرها درآن خیلی زیاد است . بطوریکه وقتی درخیابان راه میروید می‌بینید اکثر عابران سالخورده هستند ، علتش اینست‌که مردم ازنظر مالی دررفاه هستند وشرایط زندگی طوری است‌که عمرطولانی میکنند . بهمین‌جهت فکرکردم باین واقعیت‌که یکی ازخصوصیات‌کشور ماست ، بپردازم . بهرحال این مسئله درهمه‌کشورها می‌تواند مطرح شود .

سئوال – برای نوشتن سناریو روی زندگی سالخوردگان دراین قبیل خانه‌ها مطالعه‌کردید ؟

لامی – ابداً به مطالعه درباره زندگی واقعی آنها


بنوآ لامی

علاقه‌ای‌نداشتم زیرامیخواستم ازتصورات‌عادی‌وکلیشه‌ای درباره آنان بدور باشم . بهمین جهت سناریوی فیلم را کاملاً تصوری‌نوشتم وفکرمیکنم دراین‌راه حتی‌ازواقعیت هم پیشی‌گرفته باشم . چون بازیگران فیلم نیز اکثراً غیرحرفه‌ای هستند . مدت شش‌ماه برای یافتن آنها وقت صرف‌کردم ، زیرا میل داشتم حتی آدمهای فیلم نیزواقعی باشند .

سئوال – باوجود این‌که داستان زمینه واقعی‌دارد ، چرا بیان داستان شکلی طنزآلود وتوأم با شوخی دارد . آیا باین خاطرکه پیرها شباهت زیادی به بچه‌ها دارند ؟

لامی – فیلم باین علت پرداخت توأم با طنزوشوخی داردکه تماشاگر بتواند موجودیت سالخوردگان‌را بآسانی بپذیرد . اگرفیلم پرداخت تراژیك یا ملودراماتیك‌داشت، قضیه خیلی سطحی میشد وفیلم روی بیننده ثمری باقی نمیگذاشت . وقتی ما این فیلم را میساختیم تهیه‌کننده‌ای بمن گفت‌که این‌فیلم یك هفته هم روی‌پرده دوام نمی‌آورد ولی الان سه ماه است‌که دربلژیك روی پرده است . پس مردم لحن فیلم را پسندیده‌اند .

سئوال – فیلم حالت بداهه سازی دارد . مثل اینکه هنرپیشه‌ها خودشان بازی‌کرده‌اند وکسی برکار آنها نظارت نداشته است .

لامی – بله ظاهراً اینطور بنظر می‌آید ولی تمام حرکات و دیالوگها ازقبل نوشته شده بود . فقط بعضی حرکات سرصحنه بطور فی‌البدیهه انجام شد . روش من درهدایت بازیگران این بودکه ابتدا صحنه را برای آنها تشریح میکردم تا بخوبی درفضای داستان قرارگیرند . بعد میگذاشتم خودشان بازی‌کنند آنوقت من مواردی را که بنظرم میرسید اصلاح میکردم .

سئوال – گفتیدکه فیلم دربلژیك فروش خوبی‌داشته آیا این فروش برای بازگرداندن مخارج فیلم کافی‌است؟

لامی – بلژیك کشورکوچکی است و برای آنکه مخارج فیلمی برگردد باید حتماً بخارج صادر شود ولی متأسفانه فیلمهای بلژیکی خیلی‌کم بخارج صادر میگردد .

سئوال – ژاك پرن و کلود ژاد دراین فیلم رلهای کوتاهی داشتند . آیا این امر برحسب ضرورت داستان بود یا مخصوصاً چنین نقشهائی بآنها دادید ؟

لامی – وقتی سناریوی فیلم را به ژاك پرن دادم بخواند ، او بی‌آنکه درفکرکوتاهی نقشش باشد ، بازی درآن را پذیرفت . همین‌طورکلود ژاد . درواقع آنها بخاطر حمایت ازداستان این رلها را قبول‌کردند . البته برای موفقیت فیلم لازم است‌که ازاسامی شناخته شده استفاده شود .

سئوال – بچه جهت اسم فیلم را بزبان انگلیسی انتخاب‌کرده‌اید ؟

لامی – دربلژیك دو زبان فرانسه و فلاماندر وجود دارد . این امرهمیشه برای فیلمسازان اشکالاتی به بار می‌آورد . با انتخاب اسم فیلم بزبان انگلیسی خواستم هیچ تکیه‌ای روی این‌دو زبان نکرده باشم . ازطرفی این جمله دربلژیك یك جمله شناخته شده است .

سئوال – سینمای بلژیك درحال حاضر چه موقعیتی دارد ؟

لامی – بلژیك‌کشورکوچکی است‌که هیچوقت بطور طبیعی به صنعت فیلمسازی احتیاج نداشته است وفیلمهای آمریکائی ، انگلیسی ، فرانسوی وایتالیائی مصرف بازار را تأمین‌کرده‌اند . بهمین‌جهت دربلژیك اکثراً فیلمهای کوتاه ساخته میشود . فیلمسازان قدیمی بلژیك درکارشان دنباله‌روی فیلمسازان خارجی بوده‌اند . دربلژیك یك مدرسه سینمائی هم تأسیس شده‌است ولی وجود این‌مدرسه هم‌کمکی برای تولید فیلم نکرده وهنوزهم آدمهائی مثل من باید خودمان فیلم تهیه‌کنیم .

سئوال – با موفقیتی‌که فیلم «کانون‌گرم خانواده» داشته قصد ندارید درخارج ازبلژیك بکار فیلمسازی ادامه دهید ؟

لامی – هرگز چنین قصدی ندارم . با اینکه بمن پیشنهادکار درفرانسه وایتالیا شده ، ترجیح میدهم درباره مسائل مربوط به‌کشور خودم فیلم بسازم .

سئوال – درحال حاضر پروژه‌ای ندارید ؟

لامی – مشغول آماده‌کردن فیلمی هستم‌که در ماه آوریل آینده فیلمبرداری آنرا شروع می‌کنم .

سئوال – درباره این‌فیلم توضیح بیشتری نمیدهید؟

لامی – خیر !



مصاحبه مطبوعاتی اعضاء فدراسیون سینمائی آفریقا

شناسائی سینما آفریقا

دریك مصاحبه مطبوعاتی با اعضا

فدراسیون سینمائی آفریقا

فدراسیون سینمائی افریقا سازمانی است متشکل از سی‌وسه کشور افریقایی که نظارت بر تولید فیلم درکشورهای عضو دارد . از این سازمان هفت نفر در مصاحبه‌ی مطبوعاتی شرکت دارند که عبارتند از **دبیرکل فدراسیون معاون فدراسیون ـ نماینده سنگال ـ نماینده‌ی ماداگاسکار ـ نماینده‌ی‌تونس ـ نماینده‌ کامرون ـ نماینده‌ی گابون** . این‌تعداد بعلاوه‌ی آقای **هژیر داریوش** که بدرخواست فدراسیون در مصاحبه شرکت‌کرده به سئوالات پاسخ میدهند .

سئوال : لطفاً اطلاعاتی درباره‌ی هدف فدراسیون وکارهایی‌که انجام میدهد دراختیار خبرنگاران بگذارید .

معاون فدراسیون : فدراسیون سه‌سال پیش تشکیل شد ، موجودیت رسمی آن درسال ۱۹۷۱ در فستیوال کارتاژ تثبیت شد . این فدراسیون به‌علت نیاز به‌وحدت فرهنگی در افریقا بوجود آمد . زیرا این‌مهمترین راهی است برای رسیدن به وحدت سیاسی و اقتصادی . زیرا بدون وجود یك استقلال فرهنگی نمی‌توان به‌استقلال سیاسی یا اقتصادی رسید . به‌این دلیل تمام سعی‌ما بدست آوردن استقلال در همه‌ی این زمینه‌هاست . فدراسیون حتی وابسته یونسکو وچند سازمان دیگر نیز هست وتمام سینماگران افریقا دراین سازمان عضو هستند .

ما دو فستیوال داریم یکی بنام **کارتاژ** در **تونس** ودیگری **وادادبو** در **ولتای‌بالا** که فیلم‌ها در این دو فستیوال بزبان فرانسه نمایش داده میشوند . به‌همین خاطر ما نیاز شدیدی به‌داشتن یك فستیوال به زبان انگلیسی داشتیم که این فستیوال‌را در **دارالسلام** در **تانزانیا** تشکیل‌دادیم.

هدف ما از رفتن به فستیوال‌های مختلف بخاطر نفس فستیوال نیست ، بلکه بخاطر بدست آوردن امکانات برای توزیع است . زیرا ما می‌خواهیم که فیلم‌هایمان همچنان در افریقا ، اروپا وامریکا نیز توزیع شوند .

سئوال : علت اینکه زنها در فیلم‌های افریقایی کمتر ظاهر می‌شوند ، آیا مربوط به ریشه‌های اجتماعی و محدودیت‌های این چنینی است ؟

دبیر عامل فدراسیون : نه ، به هیچ‌وجه . خانم‌ها در کارهای سینمایی شرکت می‌کنند . هم الآن در فستیوال دو خانم افریقایی شرکت دارند . وقرار بود که دوخانم دیگر بیایند ولی هنوز نیامده‌اند و علت این تأخیر معلوم نیست . حتی ما درافریقا کارگردان زن نیز داریم .

سئوال : چطور ممکن است کارگردان‌های افریقایی فیلم‌های سیاسی بسازند درحالیکه پول فیلمسازی ازطریق دولت تأمین می‌شود ؟

دبیرعامل فدراسیون : این‌حقیقت نداردکه ما همیشه برای تهیه فیلم‌های سیاسی به دولت متکی می‌باشیم . نظر ما این‌است که فیلمی بسازیم که بتواند با توده‌ی مردم رابطه برقرار کند . پس اگر این فیلم‌ها را درلندن یا نیویورك یا پاریس نشان دادند و منتقدین برای فیلم گفتند آفرین ، آفرین ، کافی نیست . زیرا توده برای ما مهم است . به‌همین دلیل ما برای نمایش فیلم در کشورمان به اجازه‌ی دولت احتیاج داریم ، ولی این‌را می‌توانم پیش‌بینی کنم که درآینده اکثر فیلم‌های ساخته شده ، سیاسی خواهند بود . معذلك منظور من از کلمه‌ی سیاسی با توجه به ضوابط خودمان ازین‌کلمه است نه‌آنکه دیگران درتصور دارند . برای افریقا دیگر دوران گرفتن ایدئولوژی‌های ابلهانه‌ی دیگران وبعد بکاربردن آنها درساختمان اجتماعی خودمان تمام شده‌است.

سئوال : وقتی صحبت از فیلم سیاسی می‌کنید ، فیلم‌های اجتماعی درنظرتان است ؟

دبیرعامل فدراسیون : وقتی من از سیاست حرف می‌زنم هیچ‌محدودیتی برای‌آن نمی‌شمارم. فرهنگ ، اقتصاد وسیاست همگی دراین فیلم‌ها گذاشته شده‌اند . حداکثر ممکن‌است در یکی از فیلم‌ها یکی از جنبه‌ها قوی‌تر باشد . بهرحال ، آنچه مهم است اینکه درشکل ووضع فعلی‌افریقا، تمام مسایل اجتماعی، فرهنگی واقتصادی احتیاج به تصمیماتی دارند که قبل از هرچیز سیاسی هستند .

سئوال : چند درصد از کارگردانهای افریقایی به فرهنگ بومی خود آشنا هستند ؟

دبیرعامل فدراسیون : درحال‌حاضر تعداد زیادی از جوانها تحصیلات خود را در سینما در اروپا و امریکا می‌گذرانند . ولی هستند کارگردانهایی که در هیچ مدرسه‌یی تحصیل نکرده‌اند و تنها دانش آنها بخاطر تجربه‌هایشان درکار سینما است . یك مسئله‌ی مهمی‌که وجود دارد و باید بدان توجه کرد ، رابطه‌ی سینماگر افریقایی و ملتش می‌باشد . زیرا درظرف دهسال گذشته بیگانگی بزرگی بین‌ملت وسینماگر وجود داشته است . وقتی راجع به‌این بیگانگی فرهنگی صحبت می‌کنم، نباید آنرا از فشارهای سیاسی‌یی که باعث این بیگانگی فرهنگی شده‌اند ، جدا داشت . زیرا این‌ها لازم و ملزوم هم هستند .

دنباله مطلب درشماره فردا

فیلمهای روز

سینما دیاموند (ساعت ۱۱ و ۱۸/۳۰)
فیلم بلند – محصول ایتالیا (اطلاعات)

لودویك LUDWIG

تهیه‌کننده : اوگوسانتا لوچیا . کارگردان : لوکینو ویسکونتی . بازیگران : هلموت برگر، رومی اشنایدر ، ترور هوارد ، اومبرتو اورسینی ، مارك پول ، جان مولدر براون ، سونیا پتروا .

«من یك معما هستم» . این‌گفته «لودویك» در رم است که تاریخ از او تنها بعنوان «سلطان دیوانه باوریا» یاد میکند . حقیقت هرچه باشد «لودویك» بی‌شك یك خیالپرداز بود و بی‌توجهی کامل او به‌امور کشوری و علاقه بی‌حدش به‌ساختن قصرهائی که فقط گاه‌بگاه میتوانست در آنها بسر برد : گواه این مدعی است .

خلاصه داستان : « لودویك » در نوزده سالگی تاج سلطنت برسر گذاشت وباستثنای دختر عمویش«الیزابت» امپراتوریس اطریش‌که نسبت به‌او عشقی افلاطونی داشت ، هیچگاه برای مدت زیاد از دوستی نزدیك کسی برخوردار نبود . ترس از ناتوانی و داشتن تمایلات جنسی منحرف مانع ازآن میشد که « لودویك» کوششی برای انتخاب همسر بعمل آورد تا آنکه بترغیب «الیزابت» با «سوفی» خواهرجوانتر«الیزابت» نامزد شد . ولی ازدواج آنها هیچگاه تحقق نپذیرفت . «لودویك» بیش‌از پیش به سرگرمی ذهنی خیالبافی درباره ساختن قصرهای باشکوه روی آورد و تمام وقتش را به‌اینکار اختصاص داد . خلائی‌که بعلت غفلت‌او از رسیدگی به‌امور کشوری ایجاد شده بود ، توسط « بارون فن هولشتاین» پر میشد که زیرکانه یك حکومت سری برای برکنار کردن «لودویك» تشکیل داده بود .

موسیقی « واگنر » یك سرگرمی دیگر «لودویك» بود . «لودویك» ، «واگنر» را که در آن‌زمان با مشکلات مالی روبرو شده بود به قصر احضارکرد و قول داد مشکلات مالی‌اورا از میان بردارد بشرط آنکه «واگنر» در قصر بماند و برای شاه موسیقی بسازد . واگنرموافقت کرد. وازآن‌پس‌آندو تمام وقتشان صرف نقشه‌کشی‌های بی‌پایان درباره اپراهائی که واگنر میبایست در ساختمان اپرای جدید «لودویك» اجرا کند ، میشد . وقتی «واگنر» اپرائی را باتمام میرساند، «لودویك» بعنوان تنها تماشاچی به تماشای آن مینشست و سایرین را از حضور درآن محروم میکرد . ولی وقتی روابط عاشقانه «واگنر» بگوش «لودویك» رسید اورا از قصر بیرون‌کرد .

در تمام این مدت حکومت سری برای برکنارکردن«لودویك»که دیوانه‌اش‌میپنداشتند (گو اینکه مردم از او بعنوان یك قدیس یاد میکردند) گسترش میبافت و سرانجام با کمك «بیسمارك» که سرگرم تشکیل فدراسیون آلمان بود «لودویك» را ازکار برکنار کردند و به قلعه نوی «شوآن اشتاین» فرستادند و در آنجا یك کمیته او را دیوانه اعلام کرد . شب بعد «لودویك» و یك‌دکتر برای هواخوری باطراف دریاچه رفتند و از آنشب ببعد دیگر کسی آنها را زنده ندید. جسد آنها را در ته دریاچه پیدا کردند ولی علت این واقعه هیچگاه روشن نشد . آیا «لودویك» واقعاً دیوانه بود و یا قربانی دستجات نیرومندی از داخل تشکیلات حکومتی خود گردید .

دیوانه یا قدیس ، بهرحال موفق شد ، همچنانکه خودگفته‌بودبصورت‌یك معماباقی‌بماند.



سینما دیاموند (ساعت ۱۵ و ۲۱/۳۰)
فیلم‌کوتاه – محصول استرالیا (اطلاعات)

کوآرتت زهی

کارگردان : رابرت پارکر
موسیقی : دبوس ، ریچارد میل
هنرپیشگان : اعضاء کوارتت پینی
۳۵ میلیمتری – رنگی – ۴۶½ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

یك‌کوارتت زهی ، نوازندگان و موسیقی آنان . سرگذشت هریك از نوازندگان و زندگی آنها همراه با نشان دادن دیگر فعالیتهای روزمره‌شان مثل نقاشی ، گلکاری و باغبانی ، مطالعه ، خیاطی‌وتربیت‌فرزند دریك‌شکل‌سینمائی بازگو می‌شود ، اما فیلم همیشه به زمینه اصلی خود موسیقی باز می‌گردد .





سینما سینه موند (ساعت ۱۱ – ۱۵ – ۱۸/۳۰ – ۲۱/۳۰)
چشم‌انداز سینمای افریقا

بوبو کراوات

سینما سینه‌موند (ساعت ۱۱ - ۱۵ - ۱۸٫۳۰ - ۲۱٫۳۰)
چشم‌انداز سینمای افریقا

هزار و یک دست

فیلمی از : بن‌بارکا سوهل - هنرپیشگان : میمسی - عبدو شیبان - القاضی عیسی .

مراکش ــ پای دیوارهای کهنسال «موها» رنگرز سالخورده‌ای که آثار یك زندگی سخت و خسته‌کننده در چهره‌اش آشکار است وپسرش میلود بسته‌های نخ پشم را حمل می‌کند .

این نخ‌ها به‌کجا برده می‌شود ؟

این شروع کار طولانی و پیچیده بافتن قالی‌هائی است که در خارج فروخته می‌شود ــ و نیز شروع کار طولانی وکشنده مردان ، زنان و کودکانی کــه محکوم به‌انجام آن در سراسر زندگیشان هستند ــ همچنین این شروع تجارت پرسود جمال ، صادر کننده ثروتمند قالی‌است .

در کارگاه‌ها دستهای ماهر دختران‌کوچك تحت نظارت بی‌وقفه کارفرماها برتعداد قالی‌ها می‌افزاید .

دستهای «موها» پیوسته ازیك‌خم‌رنگ به‌خم رنگ دیگر فرو می‌رود و رنگ عوض می‌کند ــ چه حرباهای شگفت‌انگیزی‌هستند موها وپسرش!

کارگــران سالی یك بار برای شکستــن یك‌نواختی شرایط زندگی‌شان به سفری طولانی به‌نقطه‌ای دور و ناآشنا ــ هرجــا که باشد ــ می‌روند .

طی یك رشته مراسم مذهبی آنها وجود خویش را از آلودگی ونفس پرتمنا پاك می‌کنند و در یك وحدت روحانی به «وجود لاوجود» می‌پیوندند . در سکوت عمیق بیابان تنها ندای الله‌اکبر بگوش می‌رسد .

پس از این درنگ کوتاه کار خسته‌کننده روزانه از سر گــرفته می‌شود و تجارت جمال همچنان رونق دارد .

در یك کوکتل‌پارتی که یادآور مجالس داستانهای هزارویك‌شب است ، نادین ــ همسر جمال بعنوان سمبل تمدن می‌درخشد .

بر بام‌های مدینه باستانی تارهای تنــیده گسترده می‌شود .

نردبان تاب وزن «موها» و باری را که بر دوش دارد ، نمی‌آورد ومی‌شکند .

آیا این مشیت الهی است ؟

پسر ــ ظاهراً خونسرد ــ کار پدر را دنبال می‌کند ولی بزودی بامید یافتن کار بهتر حرفه رنگرزی را ترك می‌کند. مشقات بیکاری سخت آزارش می‌دهد و او سرانجام کار در یك معدن سنگ را می‌پذیرد .

«موها» می‌میرد .

برای میلود ، پرده تنیده ظواهر از هم دریده می‌شود و او با خشمی فروخورده به‌ملك جمال قدم می‌گذارد . وبعد . . .

درهــای زندان روی او بسته می‌شود .

خواهر کوچك هفت ساله‌اش «ملکه» به‌کارگاه قالی‌بافی برده می‌شود . دنیای کارگری بسراغ او هم آمده است . یك‌هزار دست کوچك مانند دست‌های او ماهرانه درمیان پود قاب بافندگی حرکت می‌کنند .

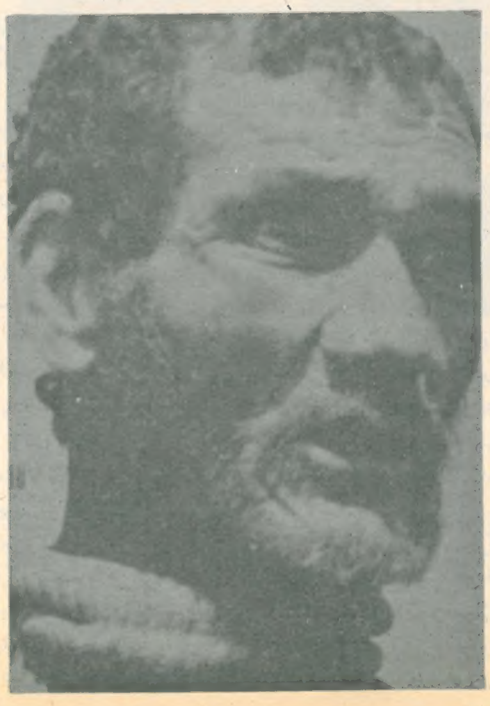
آیا دستهای «ملکه» یك‌هزارویکمین‌دست است ؟

کارگردان : دانیل کاموا
سناریو : دانیل کاموا
فیلمبردار : روبر شاتو
موزیك : فرانسیس دبی
بازیگران : ماریسادان ، فرانسواز تیپت ، جیمز کمبل
مدت : سی دقیقه
داستان :

یك دیپلمات آفریقائی بعد ازمدتها اقامت در اروپا به زادگاهش بازمیگردد . درآنجا وی با سنتها وآداب ورسوم زندگی قبلی‌اش روبرو می‌شودکه باآنچه وی ضمن سالهااقامت در اروپا آموخته بکلی مغایر است .

دانیل کاموا کارگردان فیلم بوبوکراوات قبل از آنکه اولین فیلمش «بوبوکراوات» را بسازد ، فعالیت تئاتری داشته است . او سه سال پیش با گروه پیتربروك بایران آمد ودرنمایش «اورگاست» نقش داریوش را بازی‌کرد .

وی درمورد فیلمش میگوید: « فیلم من‌مقابله‌ایست با استعمار جدید . من میخواهم مردمی را که خفقان گرفته‌اند ، بیدار کنم وتوهمی راکه دولت‌ها برای مردم درست‌کرده‌اند ازبین ببرم » .



بیلی دو کلاهه

رنگی (ایستمن‌کالر)
تهیه‌کننده : نورمن جویسون
کارگردان : تدکاتچف
هنرپیشگان : گریگوری‌پك ، جك واردن ، دسی آرناز- (پسر) ، سیان بارابارا آلن .



کلانتر گیفورد درتعقیب به فراری «آرچی دنیز ، بیلی دوکلاهه (یك سرخ‌پوست دورگه) وهاری برادلی» که بجرم سرقت بانك وقتل حسابدار بانك تحت تعقیب هستند به شهرکوچکی درغرب آمریکا می‌رسد . او هاری وبیلی را دستگیر می‌کند ولی دنیز فرارمی‌کند . گیفورد بیلی را دست‌بند زده همراه خود می‌برد .

آنها شب را درکلبه یك شکارچی سالخورده بنام کوپلند که زنی سرخ‌پوست با او زندگــی می‌کند ، می‌گذرانند . صبح روز بعد دنیز به‌کلبه نزدیك می‌شود وقبل ازآنکه گیفورد بتواند طپانچه‌اش را بیرون‌بکشد ، دنیز شلیك می‌کند وگیفورد زخمی می‌شود .

دنیز وبیلی مقداری آذوقه ازشکارچی می‌خرند وسوار براسب دور می‌شوند . گیفورد به « کوپلند » می‌گویدکه با تفنگ شکاری یکی از اسب‌های بیلی یا دنیز را هدف قرار دهد . کوپلند شلیك می‌کند واسب دنیز به پهلو درمی‌غلطد وپای دنیز زیر تنه اسب می‌شکند. باین ترتیب درمبارزه دومرد توازن برقرار می‌گردد .

بیلی دنیز را روی بستری‌که ازچوب ساخته است می‌خواباند وبدنبال اسب می‌کشد . پس ازچند روز استراحت‌گیفورد قدرت سواری را باز می‌یابد وبدنبال دنیز و بیلی می‌رود .

بیلی و دنیز به مزرعه مرد سالخورده‌ای بنام اسپنسر می‌رسند . اسپنسر موافقت می‌کند دنیز را با گاری به دکتر برساند وبیلی همراه ایستر همسر جوان اسپنسر درمزرعه می‌ماندکه مواظب نزدیك شدن‌گیفورد باشد .

اسپنسر و دنیز مورد حمله سرخ‌پوست‌هــا قرار می‌گیرند . وقتی شب فرا می‌رسد اسپنسر به تصور اینکه سرخ پوست‌ها درتاریکی شلیك نمی‌کنند تنها فرار می‌کند وبدست سرخ پوست‌ها می‌افتد وکشته می‌شود .

گیفورد بیلی را هنگامیکه مشغول‌عشقبازی با ایستر است دستگیر می‌کند وهمراه آندو به دنبال دنیز می‌رود . با نزدیك شدن آنها سرخ‌پوست‌ها فرار می‌کنند .

گیفورد دریك حالت روحی بحرانی می‌خواهد دنیز را بکشد ولی پیش ازآنکه فرصت اینکار را داشته باشد ، بیلی بسوی‌اوشلیك می‌کند وگیفوردکشته می‌شود.

بنظر می‌رسدکه مرگ دنیز موقتاً بیلی را ازدنیای سفیدپوست‌ها آزاد ساخته است. او جسدگیفورد واسپنسر را می‌سوزاند و دنیز را روی یك‌گاری می‌بندد واز ایستر می‌خواهد قسمتی‌از انجیل را بخواند . وقتی ایسترقسمتی ازانجیل راکه مورد علاقه دنیز بود می‌خواند ، همبستگی تازه‌ای بین بیلی و ایستر ایجاد می‌شود .

فیلمهای روز

تالار رودکی (ساعت ۱۶)

اتحاد جماهیرشوروی – بلند (مسابقه)

نامادری

کارگردان : ا . بونداری
مدیرفیلمبرداری : ف . چرنی
آهنگساز متن : رونو مارونکو
هنرپیشگان : دورونینا ، ساموتیلوف ، نودومسکی ، فدوسوا
۳۵ میلیمتری – رنگی – ۸۹ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

به زن‌وشوهرجوانی‌که پسرخردسالی نیز دارند خبر ناگواری می‌رسد. این خبر حاکی ازمرگ زنی است‌که قبل از ازدواج این دو با مرد زندگی می‌کرده است وحال دخترکوچکی‌که ثمره زندگی مشترك آنهاست ، بی‌سرپرست مانده‌است. کودك را به خانه میآورند وبنام پدر برایش شناسنامه میگیرند. پدرش با او بیگانه است . خود او دراین محیط تازه به هیچ‌کس علاقه‌ای ندارد و زن جوان نیز تحت فشار مادر خود برای قبول نکردن دخترك است . با این باصطلاح نامادر جوان‌است‌که محبت‌کودك رانسبت به پدر و خودش بیدارکند وهمچنین محبت پدررا به فرزند بیگانه‌ی خود .



تالار رودکی (ساعت ۱۹)

بلند – استرالیا (مسابقه)

لیبیدو

کارگردانان : جان بی . موری ، تیم بورستال ، فرد ا . شپیس ، دیوید بیکر .
فیلمبرداری : اریك لوماس ، رابین‌کوپینك ، یان بیکر ، بروس ملك ناوتن .
آهنگسازان متن : تیم هیلی ، بیلی‌گرین ، پی‌تر بست ، بروس اسمیتون .
هنرپیشگان : الك نیدهارات ، برایان ویلیامز ، مارك‌آلبیستون ، جان ویلیامز ، بروس باری ، جیل فورستر ، جودی موریس ، آرتور دیگنام ، رابین نوین ، جك تامپسون ، ماتس‌گیلیس ، دبی نانکرویس ، سوزان برادی .
۳۵ میلیمتری – رنگی – ۱۲۰ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

ارتباط چهارپاره‌های‌کاملاً مستقل فیلم « لیبیدو » تنها ازطریق تفکر درباره مفهوم‌همین‌کلمه‌که درروانشناسی امروز بسیار مورد بحث قرار میگیرد ، حس میگردد .

چهارپاره بترتیب عبارتند از : « شوهر » ، « کودك » ، « کشیش » و « مرد خانواده »که شخصیت پاره‌ی‌اخیر ارتباطی با شخصیت پاره‌ی نخست ندارد.

الف ــ شوهر

شوهر «جاناتان» نام دارد و زنش « پنه لوپ » . آنها صاحب دو فرزندند . وقتیکه جاناتان مشغول خواندن کتاب «حسادت» نوشته‌ی«آلن‌روب –گری‌یه» است زنش‌بخواندن‌کتابی بنام «خواجه‌ی مؤنث» اشتغال دارد . شوهر درخیال به روابط افراطی جنسی همسرش بادیگران میاندیشد . او بیش ازهمه ذهنش‌متوجه‌ی «هارولد» نزدیکترین دوست وساقدوش خود میباشد . اما یکشنبه شب دربستر با همسرش اینگونه تخیلات را فراموش میکند . روز دیگر او با لذت صبحانه‌اش را میخورد . با بچه‌ها شوخی میکند و بسرکارخود میرود . خانه خلوت میشود. ... و«پنه لوپ» به «هارولد» تلفن میکند تا همین را بگوید !

ب ــ کودك

سال ۱۹۱۲ . « مــارتین » پسر خردسال‌تنهایی‌است‌که پدرش به مسافرتی طولانی میرود واحتمال این هست که دیگر هرگز مراجعت نکند. «مارتین» بکلی تنها و بی‌حوصله است . مادرش فرصت چندانی برای توجه باو ندارد وترجیح میدهد وقتش را با «دیوید» وگردش با اتومبیل او بگذراند . دختر جوانی بنام « سیبل » برای آموزش ونگهداری از او درصحنه ظاهر میشود . تمام علاقه ومحبت «مارتین» متوجه‌ی «سیبل» است وتمام وقت خودرا با او میگذراند، اما «دیوید» طعمه‌ی‌جوانتری یافته است . یکروز «مارتین» آن دو را سرگرم عشقبازی‌درگلخانه می‌بینند. برای چند لحظه او نمی‌تواند ازاین صحنه چشم برگیرد. آنها متوجه‌ی حضور او میشوند و « مارتین » فــرار میکند . کوشش « سیبل » برای توجیه وضعیت بجایی نمیرسد. « مارتین » خودرا به قایــق میرساند ومیخواهد ازآنجا دور شود . این‌بار «دیوید» برای تفهیم او بسراغش میآید . اما بمجردی‌که میخواهد پا در قایق‌بگذارد «مارتین» قایق را به‌حرکت درمیآورد وبطرف مرداب بدون توجه به التماس «دیوید» که درآب میافتد و خواهش«سیبل» ، پارو میزند. «دیوید» که شنا نمیداند درآب خفه میشود .

پ ــ کشیش

کشیش جوان و رنجوری به‌کنار دیری‌میرسد و دق‌الباب میکند. راهبه‌ای در را میگشاید وبه او خوشامد میگوید. بنظر میرسدکه راهبه ازدیدن او متعجب است اما بخوبی میداندکه‌کشیش جوان برای دیدن چه‌کسی به دیرآمده است . اورا به اطاقی راهنمایی میکند وبعد از چند لحظه‌ای خواهر «کارولین» به‌آن اطاق میآید . این دو عاشق یکدیگر شده‌اند . کشیش‌که ازبیمارستان امراض روحی مرخص شده و پایه‌ی اعتقادات مذهبی‌اش ، بخصوص درمورد مقررات خشك‌کلیسا ، متزلزل‌گشته‌است میخواهد تا «کارولین» با او همــراه شده و با یکدیگر ازدواج‌کنند . اما «کارولین» که ازیکسو عاشق‌کشیش جوان است از سوی دیگر توانایی وجرأت این‌کار را بدون موافقت‌کلیسا درخود نمی‌بیند. اصرار وتمنای‌کشیش‌جوان بجایی‌نمیرسد ومجبوراست تا دیررا بدون «کارولین» ترك‌گوید . بیرون از دیر راهبه‌ی پیر به او ملحق میشود و ازکشیش جوان می‌پرسد .

ــ پدر بُرن‌آیاحال‌شما خوب‌است؟

ــ لعنت خدا برتو باد مادر .

ــ امیدوارم‌که چنین نکند پدر .

ــ لعنت خدا برتو باد .

ت ــ مرد خانواده

زن «کن» فرزند دیگری بدنیا آورده است . یك دختر دیگر . «کن» خوشحال‌نیست. باخلق‌وخوی‌خودساخته ، مغرور ومتجاوز او دختر داشتن چندان سازگارنیست. او تا دیروقت تولد نوزاد جدید را به همه‌ی دوستان وآشنایان با تلفن خبر میدهد . دست‌آخر به رفیق صمیمی‌اش «گری» تلفن‌کرده وپیشنهاد میکندکه به اتفاق جشنی «آنچنانی» به پا سازند . درکافه‌ای سرصحبت را با دو دختر باز می‌کنند و با جلب نظر آنها به سیگارهای مخدر موفق میشوند آنها را با خود به خانه‌ی ییلاقی «کن» ببرند. درخانه‌ی ییلاقی بالاخره بین آنها نفاق درمیگیرد و «کن» مرد باصطلاح‌زرنگ ماجرا سرش بی‌کلاه می‌ماند .

چند روز بعد «کن» با خانواده‌ی خود برای تعطیل پایان هفته به خانه‌ی ساحلی روی میآورد . اینك او درلباس مردان خانواده‌ی تروتمیز تصویر شده درآگهی‌های تلویزیونی است . وقتیکه به خانه‌ی ساحلی میرسند چشم زنش به نوشته‌ای میافتد کــه بر دیوار خانــه آویخته‌اند. این نوشته پیامی‌است متهم – کننده ازطرف آن‌دو دختر به‌این مضمون که «کن» درشب سومین وضع حمل زنش به آنها قصد تجاوز داشته است .

ــ قبل ازاینکه چشم بچه‌ها بهش بیفتد ، بیارش پائین . و «کن» مرد خانواده‌ی همیشه مطیع اطاعت می‌کند .

سینما دیاموند (ساعت ۱۵ و ۲۱/۳۰)

بلند – کانادا (اطلاعات)

. . . وپسر ET DU FILS

کارگردان : ریموندگارسو– سناریست : ولادمیر والنتا ، ریموندگارسو – فیلمبردار : میشل توماس‌دست – مونتور : پی‌یر لمه‌لین – صدابردار : جوزف شامپانی – تهیه‌کننده : پی‌یر گاورو . هنرپیشگان : اوبلاله‌گاره (فرانسوا گاد فروی)، ژاك‌گودین (نوئل بوآژولی)، ریژان له فرانسوا (گاستون) ، ژوسلین بروبه (فیلیپ) ، ماروسکا استانکوا (یارکا)– محصول کمپانی : نشنال‌فیلم بورد آوکانادا .

جزیـره‌ای آرام و محصور در یخهای رودخانه سنت لارنس صحنه کشمکش عاطفی بین دوشخصیت اصلی فیلم با دوسلیقه متفاوت درباره زندگی است .

برای فرانسواگاد فروی سالخورده مالك جزیره ، مزرعه وخانه قدیمی‌اش همه زندگی‌اش را تشکیل میدهد . ولی نوئل بوآژولی متصدی کافه کناراسکله نقشه‌های بزرگتری برای جزیره وبرای‌خودش درسر دارد . سواحل مقابل مزرعه هرسال توقفگاه دسته‌های انبوه غازهای برفی است : و بوآژولی معتقد است وجود یك هتل درجزیره وقتیکه‌شکارچیان‌آمریکائی ازامکانات شکار در جزیره آگاه گردند ، مانند یك معدن طلا خواهد بود .

بوآژولی به‌گاستن پسر گاد فروی پیشنهاد میکند خانه قدیمی را برای تبدیل آن به‌یك هتل اختصاصی بفروشد . گاستن گادفروی این‌پیشنهاد را می‌پذیرد . او برخلاف پدرش به «سرزمین پرندگان» هیچگونه احساس نمی‌کند . یارکازن چك نژادگاستن در علاقه پیرمرد نسبت به مزرعه سهیم است ولی بهرحال شوهرش‌را دوست دارد. صحنه برای مبارزه بین پدر و پسر آماده است .

در «جزیره غازها» تغییر پدید میآید ولی این تغییر نه‌آن چیزی است‌که کسی انتظارش را داشته است و نه آنچنان که بتوان نادیده‌اش گرفت .

کارگردان فیلم

ریموند گارسو در ۱۹۱۹ بدنیا آمد . ولی ابتدا به‌تحصیل‌کشاورزی پرداخت وسپس درسال ۱۹٤۵ کارفیلمسازی را درناشنال‌فیلم بوردکانادا شروع‌کرد. پیش‌ازساختن اولین فیلم طولانی‌اش «صخره بزرگ» در ۱۹۶۸ ، وی بیش‌از ۷۵فیلم کوتاه ساخته‌بودکه بیشترآنها درمناطق روستائی کانادا فیلمبرداری شد . دومین فیلم‌او «زنده‌باد فرانسه» یك کمدی است‌که در ۱۹۷۰ ساخته شد. . . . وپسر سومین فیلم طولانی اوست .



کوتاه – بلژیك (مسابقه)

تالار رودکی (ساعت ۱۶)

ژاك فدر و شاهکارش



کارگردان : ریموند آنتوان چارلز وان درهیگن
مدیرفیلمبرداری : آندره جفرز
تنظیم موسیقی : مایکل کلارنس
۳۵ میلیمتری – رنگی + سیاه وسفید – ۱۵ دقیقه
سال تهیه : ۱۹۷۳

سینما دیاموند (ساعت ۱۱ و ۱۸/۳۰)

فیلم‌کوتاه – آمریکا (اطلاعات)

فیلم فرانك

۹ دقیقه – رنگی – محصول پیرامید فیلمز

سیلی ازتصاویر اشیاء مختلف – صندلی ، ساعت ، ظرف غذا ، دستها ، لب‌ها ، بچه‌ها ، پرندگان وغیره وغیره – محتوای فیلم فرانك ومحتوای زندگی سازنده آن را تشکیل می‌دهد .

«فیلم فرانك‌که طی ۹ دقیقه زمان نمایش با ۱۱۵۹۲ تصویر چشم ومغز تماشاچی را مورد حمله قرار می‌دهد ، درحقیقت‌کوششی‌است برای بازگوکردن زندگی فیلمساز ازآغاز تاحال وحتی ادامه‌ی آن درآینده . همراه بـا یورش تصاویر فیلم صدای فیلمساز در دونوار صدای مختلف شنیده می‌شود – یکی بازگوکننده حوادث زندگی فیلمساز ودیگری زنجیر کلماتی‌که تصاویر به مغز فیلمساز تداعی می‌کنند . تعداد جوایزی‌که «فیلم فرانك» در فاصله زمانی هشت‌ماه بدست آورد ، تاکنون درتاریخ سینما سابقه نداشته است :

جایزه هیئت‌داوران فستیوال بین‌المللی‌فیلم نقاشی متحرك ، آنسی ، فرانسه .

جایزه هیئت داوران فستیوال بین‌المللی فیلم مونترال درباره محیط زیست انسان .

جایزه اول فستیوال فیلم ان‌آربور ، میشیگان .

جایزه اول فیلم‌های آماتوری اتحادیه سازندگان فیلم‌های نقاشی متحرك نیویورك .

جایزه اول منتقدین فستیوال فیلم‌کالج کینون .

جایزه اول فستیوال فیلم جکسون ویل .

فیلم انتخابی انجمن بین‌المللی فیلم نقاشی متحرك برای شرکت‌درفستیوال‌بین‌المللی‌فیلم‌های‌نقاشی متحرك .

فیلم برگزیده برای نمایش فوق‌العاده درکنفرانس طراحی آسپن .

جایزه عنقای نقره‌ای – جایزه مخصوص هیئت داوران وجایزه طلائی فستیوال بین‌المللی فیلم آتلانتا .

جایزه بزرگ – جایزه اول فیلم‌های نقاشی متحرك فستیوال تابستانی فونیکس – آمریکا .

جایزه اول فیلم‌هـای نقاشی متحرك فستیوال فیلمسازان مستقل ، کالج فوت هیل ، لوس‌آنجلس .

انتخاب شده بعنوان بهترین فیلم فستیوال فیلم بالتیمور .

جایزه اول فیلم‌های نقاشی متحرك فستیوال فیلم نیوانگلاند – کالج‌گودارد .

جایزه اول فستیوال فیلم دانشگاه اوهایو .

جایزه تماشاگران فستیوال فیلم مید – وست ، میشیگان .

انتخاب شده بعنوان فیلم افتتاحیه سمینار فیلم رابرت فلاهرتی .

فرانك موریس (کارگردان فیلم)

فرانك موریس ۲۸ سال دارد و بطور مستقل در نیویورك به فیلمسازی وطراحی مشغول است . او درسال ۱۹۶۶ ازدانشگاه هاروارد دررشته علوم معماری ودرسال ۱۹۶۹ ازمدرسه هنرومعماری‌ییل دررشته طراحی‌گرافیك فارغ‌التحصیل شد . از ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۲ فرانك موریس درمرکز هنرهای تصویری دانشگاه هاروارد تدریس می‌کرده است .

سکوت طلاست

LE SILENCE EST D'OR

۱۹٤۷ ـ محصول : پاته ـ آرك ئورادیو ـ سناریو ، کارگردان : رنه‌کلر ـ دستیار کارگردان : پی‌یر بلوندی ـ فیلمبردار : آرمان تیرار ـ لباس : کریستیان دیور ـ موزیك : ژرژوان پاری ـ بازیگران : موریس شوالیه (امیل)، فرانسوا پویه (ژاك)، دانی روبن (لوست)، روبر پیزانی (دوپریه) ، پل اولیویه (صندوقدار) ، گاستون مودو (فیلمبردار) ، پل دومانژ (سلطان) ودیگران ـ زمان نمایش : ۹۹ دقیقه ـ فیلمبرداری درچهاردهم اکتبر ۱۹٤٦ آغاز شد واول فوریه پایان یافت ـ نخستین نمایش آن درپاریس درروز بیست‌ویکم ماه مه ۱۹٤۷ بود .





«سکوت طلاست» ، لطف‌وجذابیت بیشتری ازدیگر فیلمهای اولیه رنه‌کلر دارد وبه‌طرز صریح‌تری ، عشق اورا نسبت به‌کشور فرانسه ، پاریس و نخستین روزهای پیدایش سینما کـه سنت‌هایش را همواره‌گرامی داشته است ، نشان میدهد. برای همین‌دلایل، فیلم «سکوت‌طلاست»، برای بسیاری ازمردم به انضمام اکثرنویسندگان سینمائی ، یك اثر موردپسند وجالب باقی مانده است. ژرژ سارنسول ، نویسنده شرح حال ودوست رنه‌کلر اززمان فیلم «آنتراکت» ، درکتاب خود مینویسد : «سکوت طلاست» ، چیزی بیشتر از یك موفقیت بود . این تجدید خاطره دوران جوانی ما ، این بزرگداشت محبت‌آمیز وتوأم با طنز به نخستین هنرمندان وصنعتگران سینماکه رنه‌کلر شدیداً نسبت به‌آنها احساس دین میکند ، مطبوع طبع عامه مردم فرانسه واقع شد وتعدادی ازناقدان فیلم اعلام‌کردندکه این ، بهترین فیلم اوست . . . . سکوت طلاست ، جایزه بزرگ جشنواره‌های بروکسل و لوکارنو را دریافت کرد. غیبت طولانی‌رنه‌کلر ازفرانسه ، به هیچوجه اورا ازریشه‌ها وپیوندش به سرزمین‌آبا واجدادی جدا نکرد . پس ازسیزده سال‌که درطی آن ، شش‌فیلم درانگلستان وآمریکاساخت، به‌ما‌این‌فیلم را عرضه‌کرد‌که فرانسوی‌ترین‌تمام داستان‌هایش است وبی‌تردید ، خیلی فرانسوی است، به‌همین جهت بودکه استقبال چندانی ازجانب تماشاگران آنگلوساکسون به این فیلم ابراز نشد .

همانطوریکه عنوان « سکوت طلاست » تلویحاً اشاره میکند ، این فیلمی است درباره مردم ، بااستعدادوبی‌استعداد ، خودنما ، متواضع، امیدوار وغیره‌که درنخستین سالهای قرن بیستم، فیلمهای صامت میساختند . قهرمان فیلم ، یك کارگردان میانسال با شیوه رفتاری خاص نسبت به زمان‌است وفیلمهائی میسازدکه شباهت فراوانی به شیوه «فردینان زکا» و «ژرژ مه‌لیس» در ساختن فیلمهای خودشان ، دارد . وی به دستیار جوان وخجالتی خود ، حقه‌ها ونیرنگ‌های‌حرفه را یاد میدهد وهمچنین ، چگونه باید با خانمهای جوان برخورد ورفتارکند ودراین ضمن ، با یکی اززیباترین زنهاکه مادرش زمانی معبود او بود ، دوست میشود . عاقبت ، هنگامی که‌احساس‌میکند حسابی بدام عشق دختر جوان گرفتار آمده است ، کشف میکندکه دستیارش ، قلب دختر را قبل از او فتح‌کرده وازآن‌خود ساخته است. کارگردان مسن محزون ، اما نه چندان افسرده ، از رؤیای پوچ عاشقانه خود دست میکشد و زوج جوان را درمسیر خود به زندگی موفق ، کمك میکند .

رنه‌کلر دراین فیلم ، مثل «دوخجالتی» وچند فیلم دیگر، دو روی‌کنایه ، صمیمیت و جاذبیت موقعیت را دریك‌کمپوزیسیون واحد تصویری نشان میدهد – موریس شوالیه به نقش کارگردان ، وفرانسوا پویه به نقش دستیار او ، در دوطرف یك دیوار ، مغروق درافکار خود درباره یك دختر واحد هستند . دراستودیوهای فیلم ، جائیکه آشفتگی وبی‌نظمی بنظر نمیرسد درکارتهیه وتولید ، وقفه‌ای ایجادکند یا واحد کوچك و صمیمی فیلمبرداری را از موضوعی ناراحت‌کند ، دکورهای مقوائی روی چهار مرد که سرگرم بازی‌ورق هستند، خراب میشود وآنها به‌آرامی ازجای‌برمیخیزند وهمه‌چیزرا سرجایش میگذارند بدون اینکه اجازه دهند وقفه‌ای‌طولانی درارائه بازی آنها ایجاد شود . رویهمرفته ، «سکوت طلاست» درکنایه‌اش نسبت به مسائل مطرح شده درفیلم ، حالتی صمیمی ، خوش‌طبع ، مطبوع وملایم دارد .

سینمای استرالیا



کوارتت زهی

بمناسبت نمایش فیلم‌های «لیبیدو» و «کوارتت زهی»

هنگامیکه دولت کارگری گو ویتلام در دسامبر ۱۹۷۲ برسر کارآمد ، همه امیدواربودند، کمکهای محتاطانه دولت به صنعت فیلم ، که اززمان دولت گورتن شروع شده بود ، ابعاد گسترده‌تری می‌یابد. متأسفانه تاتاریخ نگارش‌این مقاله ، این پیش‌بینی‌ها درست ازآب درنیامده است و با آنکه یك اداره وسایل بیان هنری بنیان گذارده شد ، تاکنون نتایج ملموسی از فعالیت این اداره بدست نیامده است .

این‌فعالیت‌های سیاسی‌خوشبختانه باموفقیت تجاری سه فیلم که هم ازطرف منقدین و هم ازطرف مردم استقبال شد ، مصادف بوده است . این فیلم‌ها («ماجراهای باری مکنزی» که از ماه اکتبر تاکنون ۱,۲۰۰,۰۰۰ دلار در استرالیا از گیشه بدست آورده ، لك‌لك ، و لیبیدو Libido) و در سطح کوچکتر فیلم‌های «شب وحشت» و «پیك‌نیك اداره» فیلم‌های موفقی بودند . بنظر میرسد استرالیائی‌ها میخواهند فیلم‌های استرالیائی به‌بینند مخصوصاً اگر این فیلم‌ها ، کمدی‌هائی باشند با لهجه‌های عامیانه و بهره‌جوئی‌های آزاد از سکس .

ولی اینکه آیا آثار جدی و سنگین نیز تا این اندازه مورد توجه عموم خواهند بود مسئله‌ایست که بعداً روشن خواهد شد.

نوعی روحیه ستیزه‌جو درمیان فیلمسازان استرالیائی‌مشاهده می‌شود. دیدار «جك والنتی» در سال ۱۹۷۳ از شهر «سیدنی» باعث شد این شایعه رایج شود که او باین خاطر به «سیدنی» آمده است تا کمپانی‌های پخش‌کننده آمریکائی را علیه دولت که آن‌ها را به‌تهیه محصولات داخلی مجبور می‌کند برانگیزانند . بااینحال سناتور «مك‌للاند» اعلام کردکه : «دولت اگر پخش‌کننده‌های بزرگ خارجی داوطلبانه وارد صحنه‌نشوند ، آن‌ها را به‌امرتولید داخلی خواهد کشاند» . بزودی کمیته تحقیق تعرفه تشکیل گردید که هدف آن روشن‌کردن این مسئله بود که میزان سودآوری پخش‌داخلی وصنعت نمایش چیست؟ ودرآمد آن کجا میرود؟ : تهیه‌کنندگان داخلی مشتاقانه منتظر نتایج تحقیقات هستند کمپانی فوکس ، وارنر وکلمبیا در این زمان منتظر بودند که نتایج این‌کمیته چه آینده‌ای برای آنان دربر خواهد داشت .

ازطرف دیگر این روحیه ستیزه‌جو باعث شده‌که برنامه تولید فیلم انگلیسی «بورك وویلز» با کمك بنگاه توسعه فیلم بمخاطره افتد ، با این استدلال که سرمایه دولت استرالیا تنها بایستی درمورد پروژه‌های کاملاً استرالیائی بکار افتد نه محصولات مشترکی که در آن‌ها هنرپیشگان اصلی وافراد کادر اصلی تولید خارجی‌هستند .

باهمه این‌احوال، سینما دراسترالیا تجارت عمده‌ایست ؛ سینماها دائماً مدرن می‌شوند ، گروه‌های سینمائی متحد تشکیل می‌گردد و فیلم‌های بزرگ مدت‌ها روی اکران می‌مانند . سانسور هنوز شدید نیست . بااینکه آثار سنگین درسینمای کشور راهی ندارد ولی فیلم‌های سست اروپائی باوجود سکس‌وخشونت نیز بازارچندانی ندارند. استرالیائی‌ها اکنون فیلم‌هائی‌را می‌بینند که پسرعموهای انگلیسی آن‌ها از دیدن آنها محروم هستند ؛ «آخرین تانگو در پاریس» ــ «گرما» و «نجات یافتگان» بطورکامل نمایش داده شده و فیلم «داستان‌های کانتربوری» نیز بزودی بنمایش گذارده خواهد شد .

فیلمسازان تجربی که در چند سال‌گذشته نقش‌مهمی درسینمای این‌کشور داشتند، بخصوص در شهر «سیدنی» با بسته شدن سالن‌های سینمای تعاونی آنها بوسیله دولت لیبرال از پیشرفت بازایستادند، ولی«کمیته فیلم» وابسته به «مجمع هنر» با یك کمك مالی قابل‌توجه آنان‌را قادر ساخت که یك سینمای کوچك مرکز شهر را بطور تمام وقت دراختیار گیرند .

خبرها

نمایش فیلم‌های برگزیده ایرانی

به تقاضای گروهی ازمیهمانان وخبرنگاران برنامه‌های نمایش جنبی فیلم‌های ایرانی برگزیده درسینما **دیاموند** به شرح زیرترتیب‌داده شده‌است:

ـ سه‌شنبه ۱۳ آذر (۹ صبح) ــ **رگبار** (بهرام بیضائی) .

چهارشنبه ۱۴ آذر (۹ صبح) ــ **گاو** (داریوش مهرجوئی) .

پنجشنبه ۱۵ آذر (۹ صبح) **باد صبا ، باد عاشقان** (آلبرلاموریس) .

این‌جلسات نمایش‌فقط مخصوص‌خبرنگاران مطبوعات ومیهمانان است وبلیط برای این فیلم‌ها بفروش نخواهد رفت .

نمایش «بیلی دوکلاهه» با حضور «گریگوری پك» تکرارمیشود

نمایش فیلم «بیلی دوکلاهه» که دوشنبه درتالار رودکی با حضور «گریگوری‌پك» به نمایش درمی‌آید، روزسه‌شنبه صبح نمایشش ساعت ۹ نیز درسینما شهرفرنگ تکرار می‌شود .

بهای بلیط برای استفاده همگان ۵۰ ریال است .

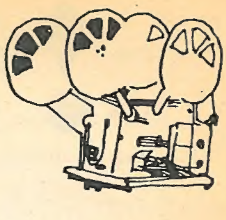
تکرار نمایش فیلم‌های «حدیث نفس» «کلکسیونر» و «خوشبین‌ها»

بنابه درخواست هیئت‌نمایندگی‌فرانسه نمایش فیلم «حدیث نفس» درساعت ۲۱/۳۰ دقیقه روز سه‌شنبه ۱۳ آذر (٤ دسامبر) در تالار رودکی وهمچنین فیلم کوتاه «کلکسیونر» ازیوگسلاوی وفیلم طویل «خوشبین‌ها» ازانگلستان درساعت ۲۱/۳۰ روزچهارشنبه ۱٤ آذر (٥ دسامبر) در تالاررودکی تکرارخواهد شد . برای این سآنس اضافی بلیط بفروش‌نخواهد رفت وفقط نمایندگان مطبوعات ومیهمانان جشنواره حق ورود خواهند داشت .

فیلم زنبورك دربازارفیلم

فیلم (زنبورك) جدیدترین اثر (فرخ‌غفاری) که براساس یك داستان‌کمدی تاریخی وبصورت رنگی تهیه شده است روزدوشنبه ۱۲ آذرماه ساعت $10\frac{1}{2}$ صبح برای نخستین‌بار درایران درقسمت بازارفیلم دومین جشنواره جهانی فیلم تهران‌نشان داده میشود .

منتقدان سینمائی نیز می‌توانند ازاین برنامه با ارائه کارت خود استفاده کنند .



فیلمهائیکه امروز می بینیم

تالار رودکی (مسابقه)

ساعت : ۱۶	ساعت : ۱۹
ژالـفدر وشاهکارش	**لیبیدو**
(کوتاه - بلژیك)	(بلند - استرالیا)
نامادری	
(بلند - شوروی)	

سینما شهرفرنگ (تکرار مسابقه)

ساعت : ۱۵ و ۲۱/۳۰	ساعت : ۱۱ و ۱۸/۳۰
او . . . اتو	**کلکسیونر**
(کوتاه - جمهوری فدرال آلمان)	(کوتاه - یوگوسلاوی)
حدیث نفس	**خوشبین‌ها**
(بلند - فرانسه)	(بلند - انگلستان)

سینما دیاموند (اطلاعات)

ساعت : ۱۵ و ۲۱/۳۰	ساعت : ۱۱ و ۱۸/۳۰
کوارتت زهی	**فیلم فرانك**
(کوتاه - استرالیا)	(کوتاه - آمریکا)
. . . و پسر	**لودویگ**
(بلند - کانادا)	(بلند - ایتالیا)

سینما شهرقصه (مرور برآثار رنه کلر)

ساعت : ۱۱ - ۱۵ - ۱۸/۳۰ - ۲۱/۳۰

سکوت طلاست

سینما ونك (مرور برآثار فرانك کاپرا)

ساعت : ۱۱ - ۱۵ - ۱۸/۳۰ - ۲۱/۳۰

چای تلخ « ژنرال ین »

سینما سینه‌موند (چشم‌انداز سینمای افریقا)

ساعت : ۱۱ - ۱۵ - ۱۸/۳۰ - ۲۱/۳۰

بوبوکراوات (کامرون)

هزارویك دست (مراکش)

خبرها!

مصاحبه‌های مطبوعاتی امروز

هتل آریا شرایتون - ساعت ۱۱ صبح - «اینگرید تولین» ستاره فیلم «فریادها ونجواها» «هاری شاین» رئیس انستیتوی فیلم سوئد .

تالار رودکی - ساعت ۲½ بعدازظهر - آنتونی سیموتز (کارگردان فیلم خوشبین‌ها) .

«هتل هیلتون» بجای هتل «آریا شرایتون»

درکارت‌دعوت‌های‌چهارشنبه شب وزارت‌اطلاعات محل برگزاری ضیافت ، هتل آریا شرایتون قید شده است .

محل برگزاری این ضیافت «هتل هیلتون» است . مدعوین ضیافت چهارشنبه شب ، به این مورد توجه داشته باشند .

برنامه‌های فوق‌العاده تالار رودکی

دوشنبه ۱۲ آذر : **بیلی دوکلاهه** محصول آمریکا به‌کارگردانی « تدکاتچف » - درحضور « گریگوری‌پك» .

سه‌شنبه ۱۳ آذر : **تنگسیر** محصول‌ایران - به‌کارگردانی امیر نادری .

چهارشنبه ۱٤ آذر : **آرزوهای تابستان و رؤیاهای‌زمستان** محصول‌آمریکا - به‌کارگردانی گیلبرت‌کیتس .

پنجشنبه ۱۵ آذر : **یـك روز سرشار** به کارگردانی ژان‌لویی ترن‌تینیان محصول فرانسه درحضور «ژان‌لوئی ترن‌تینیان» .

بلیط‌های برنامه فوق‌العاده تالار رودکی به بهای ۵۰ ریال درگیشه تالار رودکی بفروش میرسد .

سینما

نشریه « سینما ۵۲ » برای

دومین جشنواره جهانی فیلم تهران

زیرنظر : **بهرام ری‌پور**

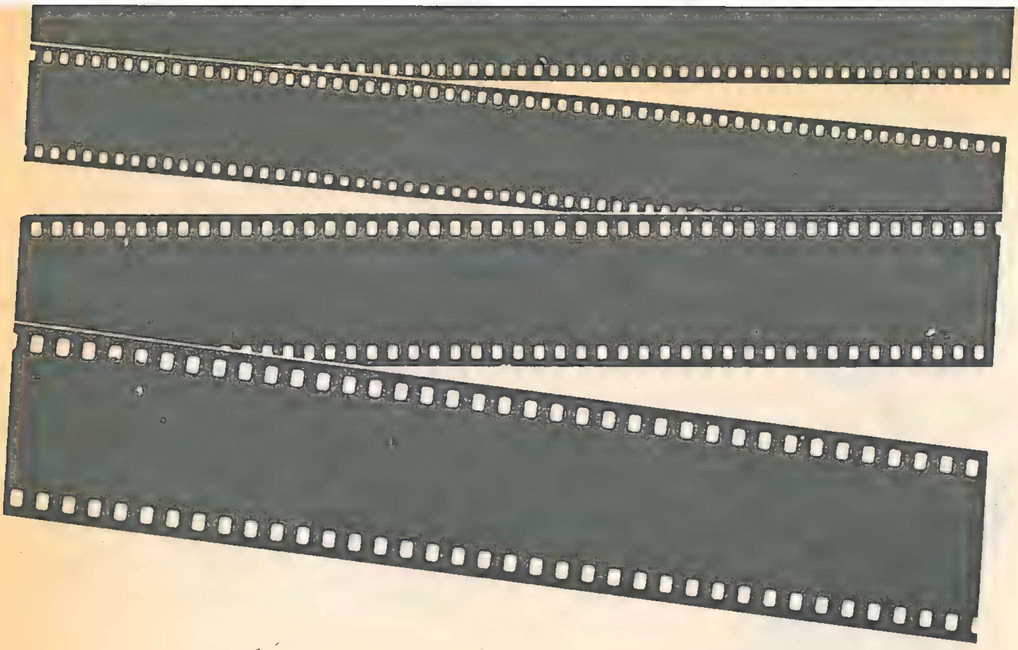
دبیرشورای نویسندگان : **جمال امید**

مدیر امور فنی : **درخشنده زعیمی**

تنظیم مطالب انگلیسی : **راجرکوپر**

طراحی صفحات : **مرتضی ممیز**

چاپخانه وزارت فرهنگ وهنر



FILM MARKET

MONDAY, DECEMBER 3RD

10.30 a.m.

Gun on the Move (Iran)	Hall No. 1
The Best Mayor, The King (Spain)	Hall No. 2
You are Beautiful, I am Young (India)	Hall No. 3

2.30 p.m.

Her Private Life (Greece)	Hall No. 1
Goya (Hungary)	Hall No. 2
It Is Not Good That Man Should Be Alone (Spain)	Hall No. 3

4.30 p.m.

Slap the Monster on Page One (Italy)	Hall No. 1
East and West (India)	Hall No. 2
Adamak (Iran)	Hall No. 3

TUESDAY, DECEMBER, 4TH

10.30 a.m.

The Art of Love (Egypt)	Hall No. 1
Strange Girl in Love (Greece)	Hall No. 2
Fury of the Avenger (Brazil)	Hall No. 3

2.30 p.m.

The Droshky Driver (Iran)	Hall No. 1
The Bride (Turkey)	Hall No. 2
She Knew No Other Way (Greece)	Hall No. 3

4.30 p.m.

Seven Short Films (Poland)	Hall No. 1
Anuraag (India)	Hall No. 2
Yakov Bogomolov (U.S.S.R.)	Hall No. 3

بازار فیلم

دوشنبه ۱۲ آذر

ساعت ۱۰½ صبح :

زنبورك	از (ایران)	سالن شماره ۱
بهترین شهردار	از (اسپانیا)	سالن شماره ۲
تو خوشگلی و من جوان	از (هند)	سالن شماره ۳

ساعت ۲½ بعدازظهر

زندگی خصوصی آن زن	از (یونان)	سالن شماره ۱
گویا	از (مجارستان)	سالن شماره ۲
صلاح نیست آن مرد تنها باشد	از (اسپانیا)	سالن شماره ۳

ساعت ٤½ بعدازظهر

برهیولا درصفحه اول سیلی بزن	از (ایتالیا)	سالن شماره ۱
شرق و غرب	از (هند)	سالن شماره ۲
آدمك	از (ایران)	سالن شماره ۳

سه‌شنبه ۱۳ آذر

ساعت ۱۰½ صبح :

هنر عشق	از (مصر)	سالن شماره ۱
عشق دختر مرموز	از (یونان)	سالن شماره ۲
خشم انتقامجو	از (برزیل)	سالن شماره ۳

ساعت ۲½ بعدازظهر :

درشگه‌چی	از (ایران)	سالن شماره ۱
عروس	از (ترکیه)	سالن شماره ۲
جزاین‌راهی‌نمیدانست	از (یونان)	سالن شماره ۳

ساعت ٤½ بعدازظهر :

۷ فیلم کوتاه	از (لهستان)	سالن شماره ۱
آنوراگ	از (هند)	سالن شماره ۲
یاکوف بکومولوف	از (شوروی)	سالن شماره ۳

NEWS

SPECIAL PROGRAMMES

During the Festival seven films will receive special screenings outside the official Programme. They will be shown at 11 a.m. in **Rudaki Hall,** where tickets will be on sale.

Mond., 3 Dec.
'Billy Two Hats' (U.S.A.), in the presence of Gregory Peck, the film's leading actor.

Tue., 4 Dec.
'Tangsir' (Iran)

Wed., 5 Dec.
'Summer Wishes, Winter Dreams' (U.S.A.), directed by Gilbert Cates

Thu., 6 Dec.
'Une Journée Bien Remplie', (France), in the presence of Jean-Louis Trintignant, the film's director.

ANNOUNCEMENT

The local monthly press luncheon will take place on Monday, December 3rd, at 1:00. **All visiting journalists are welcome to attend.** The lunch will be at the **Rainbow** Restaurant, on Forsat Avenue, between Takhte Jamshid Avenue and Sorayya Avenue (near the U.S. Embassy). The price of the lunch is 300 Rials per person. This includes hors d'oeuvres, main course, desert, coffee and drinks (vodka, beer, wine or soft drinks).

PRIVATE PROJECTION REPEAT

At the request of the French delegation to the Festival, the film *Private Projection* will be reshown at 9.30 p.m. on Tue. 4 Dec. in Rudaki Hall. Tickets will not be sold for this performance, but all Festival guests and press representatives are invited to attend.

THE TIFF STORY



When Iran's Ministry of Culture and Arts announced that the First Tehran International Film Festival (TIFF 1) has been officially recognized by the International Federation of Film Producers' Associations, putting it on par with such well-established Festivals as Cannes and Venice, it was exciting news for all connected with the Iranian cinema.

Iran's film industry actually goes back to the late nineteenth century, although it is only in the last few years that its films have achieved any kind of success outside the country. For eight years Iran has hosted an annual international children's film festival and the Shiraz Festival of Arts has in seven years become an important annual event in the international cultural calendar, but it was nevertheless considered by many to be a rather bold move for a "minor" cinema country to aspire to establish itself in a field where there was already so much competition.

Iran had many advantages, of course. As a dynamic Third World country with an unbroken artistic tradition going back several thousand years, it was logical for it to become a forum for the cinema of other developing countries, and also for young cineastes, two groups that often felt they were overlooked at the big commercially oriented film festivals. Although TIFF 1 made no real attempt at emphasizing regional or youth aspects, the International Jury did show particular interest in new experiments in all fields of cinema, and several "unknown" directors and countries received awards. Thus, an Indian student won the Grand Prix for the best short film, while the first feature film ever made in Kuwait won a Diploma.

A total of 27 countries were represented at TIFF 1, which ran from April 16 to 26, 1972, with top awards going to the Soviet Union (for 'King Lear'), the United States ('Klute') and India ('Vilaap') with Italy, Kuwait, Iran, Switzerland and Canada receiving special awards

The Jury consisted of Salah Abouseif (Egypt), Grigori Chukrai (U.S.S.R.), Thorold Dickinson (U.K.), Imre Gyongyossy (Hungary), Kashino Kawakita (Japan), Michael Kutza (U.S.A.), Alberto Lattuada (Italy), Satyajit Ray (India), Paulo Emilio Sales Gomes (Brazil) and Odile Versois (France) with Abdol-Majid Majidi (Iran) as chairman. Critics from such magazines and papers as 'Vogue,' 'The Sunday Times' and 'Variety' described the Jury as "high-powered," "well-chosen," "brilliant."

TIFF 1 was undoubtedly a success. Although the Jury said they would like to have seen more high-quality short films in competition, the general standard of the entries, and of the Information section films, was universally praised. A fringe benefit for the host country was that with 70 leading film critics its own cinema got valuable exposure in influential circles, which has certainly helped to make Iranian films better known abroad.

By the time TIFF 1 ended, the Tehran International Film Festival was established as a major event in the cinema world. The change in date (from now on TIFF will be held annually in late autumn) gave the organizers a valuable 18 months to put their initial experience to work in preparing for TIFF 2, which at the half-way point seems likely to be even more successful.

TODAY'S PROGRAMMES

MONDAY, 3 Dec.

Note: In two-film programmes, the short film is listed first.

RUDAKI HALL (Competition)

4 p.m. **'Jacques Fayder and his Masterpiece'** (Belgium) and **'The Stepmother'** (U.S.S.R.)

7 p.m. **'Libido'** (Australia)

SHAHR-E FARANG CINEMA (Competition Repeat)

11 a.m. and 6:30 p.m. **'The Optimists'** (U.K.)

3 p.m. and 9:30 p.m. **'Au-Auto'** (F.G.R.) and **'Private Projection'** (France)

DIAMOND CINEMA (Information)

11 a.m. and 6:30 p.m. **'Frank Film'** (U.S.A.) and **'Ludwig'** (Italy)

3 p.m. and 9:30 p.m. **'String Quartet'** (Australia) and **'. . . And Son'** (Canada)

SHAHR-E QESSEH CINEMA (René Clair Retrospective)

11 a.m., 3 p.m., 6:30 p.m., 9:30 p.m. **'Le Silence Est d'Or'**

VANAK CINEMA (Frank Capra Retrospective)

11 a.m., 3 p.m., 6:30 p.m., 9:30 p.m. **'The Bitter Tea of General Yen'**

CINEMONDE CINEMA (Panorama of African Cinema)

11 a.m., 3 p.m., 6:30 p.m., 9:30 p.m. **'Boubou - Cravate'** (Cameroon) and **'A Thousand and One Hands'**

NEWS

SPECIAL SHOWINGS

At the request of a number of Festival guests the following films will receive special showings at the Diamond Cinema:

Tue. 4 Dec. 9 a.m.

Ragbar (Iran), directed by Bahram Beyza'i

Wed. 5 Dec. 9 a.m.

Gav (Iran), directed by Dariush Mehrju'i.

Thur. 6 Dec. 9 a.m.

Bad-e Saba, Bad-e Asheqan, directed in Iran by the late Albert Lamorisse.

There will also be a special repeat showing of *Collector* (Yugoslavia) and *The Optimists* (U.K.) at 9:30 p.m. on Wed., 5 Dec. at Rudaki Hall.

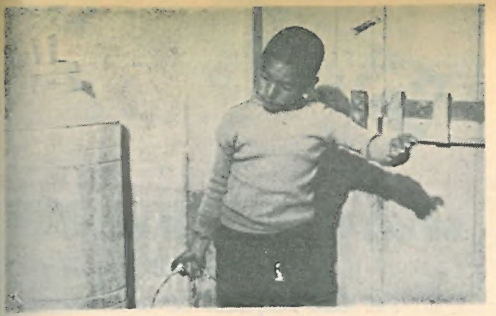
Admission to all these special showings is restricted to Festival guests and the press.

CHANGE OF PLACE

The reception to be hosted by the Ministry of Information on Wednesday, 5 Dec., will now be held at the Royal Tehran Hilton and not at the Arya Sheraton, as announced earlier. The time remains unchanged, 9 p.m.

CORRECTION

In yesterday's issue of the Bulletin, Terry Graham made a comparison between *More* and *Sounder* and also referred to the film *More* in his article entitled «Sex and Violence». In all cases he meant *Walking Tall*, not *More*. The error is greatly regretted.





POINTS OF VIEW ON 'A SIMPLE EVENT'

"A very sensitive and effective film." — *Morteza Momayez,* designer and film-maker. ('The Bird of Doom').

'It's too long-winded. If it were remade 20 minutes shorter, it might be tolerable, but it certainly isn't in its present form." — *Hushang Hesami,* film critic, Kayhan (Persian).

"Few films express the reality of life as effectively as this. It marks the advent of an extraordinary film-maker." — *Jamal Omid,* film critic, Cinema 52.

"An honest film of great human perception. Despite a number of technical faults, we feel the director is very close to his subject." — *Bahram Reypour,* film director.

"This is a film with a quiet rhythm — as quiet as life on the edge of death. It is another example of the kind of insight that makes Iranian cinema one of the two most truly Third World cinemas in Asia. Like Japanese cinema, it deals with people not as functions in a Malthusian or Marxian mechanistic socio-economic system, but as unique souls, living and dying in the agony of self-realization, actors in the epic of human striving, the latest chapter of which, in Asia, Africa and Latin America, is the rape of the truly philosophical, poetical — indeed, spiritual — mind by the Cartesian ratiocination of the West." — *Terry Graham,* film critic, Tehran Journal.

" 'A Simple Event' is an important event in the history of Iranian cinema." — *Jamshid Akrami,* film critic, Setareh Cinema.

"An honest and truthful film that shows things as they are." — *Reza Sohrabi,* film critic, Setareh Cinema.

"It's really a long poem, and I was not bored by its repetitious strophes." — *Fereidoun Moezzi-Moghaddam,* film critic, Cinema 52.

"The repetitiousness distracts from what could have been a simple and sincere short film." — *Sh. Nazerian,* film critic, Ettela'at.

"I like it a lot, mainly for its sincerity. It's the kind of film I would have expected from Shahid-Sales, as it's so like him." — *Abbas Kia Rostami,* film-maker ('Experience').

'A Simple Event', the first feature by an Iranian film-maker who has made his name in documentaries, seems to be the saving grace of this year's Tehran International Film Festival.

This is a sincere, sober and truthful film that might bore the rushing Tehranis who wish to see a film in between two parties or two business appointments. But this is precisely what Shahid-Sales wishes to do. By repeating his sequences over 88 minutes he manages to disturb some of the most oblivious souls. Those that are not disturbed and profess boredom would, no doubt, have to clear away the thick dust covering their consciences. — *Parisa Parsa,* film critic, Kayhan International.

And a word from a guest:

"I found it an uncompromising film and a social document of great value. Sales works with unity of style and complete objectivity. I think it would be widely appreciated abroad for its informative and artistic worth." — *Albert Eichenberger,* film critic, Neue Zurcher Zeitung (Switzerland).

THE WINGED IBEX



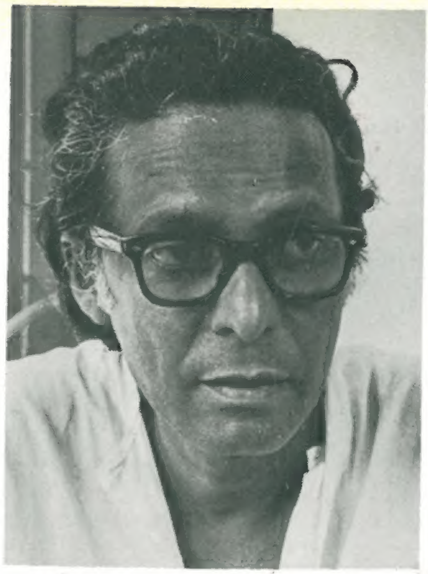
A number of guests have been asking about the origins of the symbol of the Tehran International Film Festival, the winged ibex. The ibex, a wild goat to be found in most mountain regions of Iran, has been used as a motif in Persian art since time immemorial.

The Festival symbol, which as a statuette forms the main Festival award, is based on the handle of a silver vessel from the Achaemenian period, some 2,500 years ago. Two such vessels are known, one in the Louvre, one in the Berliner Staatliche Museen, both in silver with partial gilding.

The powerful, yet at the same time delicate, ibex has the wings of an eagle and the ears and front hooves of a horse, and at least does not look like someone's Uncle Oscar.

INDIAN CINEMA TODAY

By T.M. Ramachandran, Editor, "Film World," Bombay.



Mrinal Sen

India is showing two documentaries at the Second Tehran International Film Festival, One is *You Said It* (in competition) and the other *The Inner Eye* (in the Information section). Directed by Ram Mohan, the ten-minute short *You Said It* (in colour) emphasizes the role of the common man and his rights and duties in a democracy. *The Inner Eye,* made by Satyajit Ray, India's topmost and internationally-known film-maker, is a tribute to the eminent artist Binodbehari Mukherjee of Shantiniketan. The art and life of Binodbehari is unique, for he was blind in one eye from birth and lost the other in 1953, but his art did not suffer. He continued to paint, guided by an inner vision.

India failed to enter a feature film in competition within the stipulated time. Though the Festival Directorate sent the invitation to India over six months ago appealing for a strong Indian participation in the Festival, something went wrong somewhere and the print of the official Indian entry *Strir Patra* ("Letter from the Spouse") arrived too late in Tehran to be included in the list of competing films. Since India is the largest film-producing country in the world to-day, this was particularly unfortunate. However, the Festival authorities have been gracious enough to enlist the services of Mrinal Sen, (one of the most prominent off-beat film-makers of India, whose films have won international recognition), to serve on the Festival Jury. It was also very generous of the authorities to invite as many as six Indian journalists to participate in the festival.

India makes the largest number of films in the world to-day — over 400 feature films each year. Nearly 90 per cent of these films are made by independent producers, while about ten per cent of total production is financed by the Government-sponsored Film Finance Corporation, which provides financial help to producers and directors on the basis of the quality of their scripts. About 15 per cent of the films produced turn out to be successful at the box-office. Quality-wise, however, hardly ten films prove to be good. The majority of the films provide escapist entertainment, mainly directed towards the lowest common denominator. Film-makers by and large are happy with the appreciation of the local audiences, and have not yet felt the need to make films up to international standards for the international market, because they have such a rich potential local market. With the decision of the Government of India to put an end to the monopoly of U.S. producers over a number of cinemas in India, these cinemas are now available for Indian products.

Melodrama, sentiment, songs, dances, sex to some extent (kissing and nudity are still taboo), and violence (also to some extent) form the general ingredients of an average Indian film. Themes on love, in various permutations and combinations, predominate. The average length of an Indian film is at least 5000 metres, slightly more than half of which is filled with songs, dances and fist-fights or gun fights. Indian versions of some the most successful American films continue to be made. For example, 'The Godfather' and 'Irma la Douce' have just been completed in India in Hindi versions. The average cost of an "A" class Indian film is about 7 million rials. A major portion of this cost goes to the main stars playing the leading roles. In other words, the star system holds great sway in Indian cinema.

Attempts have recently been made by a few experimental film-makers to produce films without stars — with non-professional and less-known artists. Some of these films have proved to be successful, but, by and large, many of the off-beat, experimental films are languishing on the shelf without adequate facilities for screening. The good off-beat films which have won the approbation of the critics and the people are *Bhuvan Shome, Sara Akash, Kanku, Anubhav, Ek Adhuri Kahani* and *Badnam Basti.* Other brilliant films like *Uski Roti, Maya Darpan* and *Ashad ka Ek Din* have still not seen the light of day.

A major portion of documentary work is done by the Films Division of the Government of India, which is doing its best to help the film industry by giving national awards and setting up the Film Institute, the Film Finance Corporation, a raw film factory and so on. But the help from the government is still not tangible. Taxation is so high at all levels that the average Indian film-maker considers it nothing short of a miracle if he completes just one film and arranges its release. Conditions in film-making in India are so difficult that it is a wonder how as many as 400 films are made every year.

There are nearly 60 motion picture studios and 7,600 cinemas (permanent and semi-permanent) throughout India. Film-making is carried out in Bombay, Calcutta, Madras, Hyderabad, Bangalore, Alwaye and Trivandrum. While Satyajit Ray's films, made in Bengali, are mostly shown in Calcutta and West Bengal, other regional language films in Tamil, Telugu, Kannada, Malayalam, Marathi, Gujarati, Assamese, Oriya and Punjabi are shown in the respective regions. The Hindi film is shown throughout the country and so it enjoys the popularity of the masses throughout India.

There was one co-production between India and Iran recently. It was known as *Subwa-O-Sham* ('Morning and Evening'), in which India's leading actress Waheeda Rehman and Iran's popular actor Fardin were co-starred. But, unfortunately, the picture did not do well in India. It is hoped that there will be further, successful co-productions between India and Iran in future.

cinema 52

3 December, 1973

SECOND TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL



THE STEPMOTHER

نامادری